

نیمه پنهان

جلد چهل و هشتم

راز قطعه نامه

چرایی و چگونگی پایان سنگ تحمیلی

کامران غضنفری

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

Research@Kayhannews.ir

سرشناسه	: غضنفری، کامران
عنوان و نام پدیدآور	: راز قطنامه: چربی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی / کامران غضنفری؛ برای دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص: مصور.
فروست	: نیمه پنهان: ۴۸.
شابک	: نیمه پنهان ج. ۴۸: ۱۰۰۰۰۰ ریال ۶-293-458-978-978
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: چربی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی.
موضوع	: سازمان ملل متحد، شورای امنیت -- قطنامه‌ها
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- صلح
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- قطنامه‌ها
شناسه افزوده	: مؤسسه کیهان، دفتر پژوهشها
رده‌بندی کک‌ره	: DSR / ۱۵۹۸ / غ ۲۶۶ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۹۴۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۰۶۱۹

ISBN: 978-964-458-293-6

شابک: ۶-۲۹۳-۴۵۸-۹۶۴-۹۷۸

نام کتاب:	نیمه پنهان ۴۸
نوشته:	راز قطنامه (چربی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی) کامران غضنفری
طرح روی جلد:	حسین مرصادی
ناشر:	شرکت انتشارات کیهان
چاپ اول تا ششم:	فروردین تا اردیبهشت ۱۳۹۲ - (۱۹۸۰۰ نسخه)
چاپ هفتم:	خرداد ۱۳۹۲ - (۳۳۰۰ نسخه)
قطع:	رقعی - (۳۲۰ صفحه)
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان



حق چاپ برای شرکت انتشارات کیهان محفوظ است.

تهران - خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان

تلفن پخش ۳۳۱۱۰۲۰۱، تلفن دفتر پژوهشها ۳۳۱۱۰۷۰۹

پست الکترونیک: entesharat@kayhannews.ir

فهرست کتاب

- ۹ مقدمه
- ۱۳ پیشگفتار نویسنده
- ۱۷ قطعنامه ۵۹۸ و علل تصویب آن در شورای امنیت سازمان ملل
- ۳۱ پیام امام خمینی (ره) در مورد پذیرش قطعنامه
- ۳۳ مواضع و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره جنگ تحمیلی
- ۴۱ مواضع رئیس جمهور وقت (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)
- ۴۳ علل پذیرش قطعنامه از نظر آقای هاشمی‌رفسنجانی
- ۴۷ پاسخ اظهارات آقای هاشمی‌رفسنجانی
- ۴۷ ۱- تازگی نداشتن شرارت‌های صدام و آمریکا
- ۴۸ ۲- ادعای بی‌انگیزه شدن رزمندگان
- ۶۵ ۳- ادعای نرفتن مردم به جبهه

- ۷۰ ۴ - اعلام ناتوانی دولت برای تأمین مالی ادامه جنگ
- ۷۷ تقابل با راهبرد جنگی امام خمینی (ره)
- ۱۰۱ عدم پشتیبانی جدی دولت از جنگ
- ۱۱۴ بهزاد نبوی، یکی از بازیگران پنهان صحنه
- ۱۱۶ همکاری با گروه‌های کمونیستی و مجاهدین خلق
- ۱۱۸ گرایش‌های آمریکایی بهزاد نبوی
- ۱۲۱ انگشت اتهام به سوی بهزاد نبوی
- ۱۳۳ نبوی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
- ۱۳۷ بهزاد نبوی و بیانیه الجزایر
- ۱۴۴ کارشکنی در کار پشتیبانی از جبهه‌های جنگ
- ۱۴۸ هاشمی‌رفسنجانی یکی از حامیان نبوی
- ۱۵۱ میرحسین موسوی و جنگ تحمیلی
- ۱۵۴ ارتباط با منافقین
- ۱۵۶ بی‌اعتنایی به دستورات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای
- ۱۶۹ مخالفت موسوی با حمایت جدی از جبهه‌ها
- ۱۷۱ موسوی و سازمان سیا
- ۱۷۴ محسن رضایی در یک نگاه
- ۱۹۵ بازیگر اصلی به دنبال رابطه با آمریکا
- ۲۰۹ هاشمی و مسئله گروگان‌ها
- ۲۱۵ حکایت عملیات بدر
- ۲۲۰ هاشمی و مسئله ادغام ارتش و سپاه
- ۲۲۴ زمینه سازی برای پذیرش آتش‌بس
- ۲۳۱ خودباختگی در برابر آمریکا
- ۲۳۹ تحریک فرماندهان سپاه به اعلام عدم توان ادامه جنگ

۲۴۸	نامه‌های مسئولان اقتصادی و سیاسی
۲۵۵	روند تحمیل قطعنامه به امام خمینی (ره)
۲۶۹	موضع امام خمینی (ره) پس از قبول قطعنامه
۲۷۵	تأمه تویسنده
۲۸۱	فهرست منابع
۲۹۹	تصاویر
۳۱۳	نمایه

مقدمه

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی، بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که به تعبیر حضرت امام (ره) ثمرات ارزشمندی از جمله استحکام ریشه‌های انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان را در پی داشت. بر همین اساس هشت سال دفاع مقدس ملت ایران نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ اسلام نیز موضوع مهمی به شمار می‌رود. این جنگ که در نهایت به دلب‌رژیم‌های فاسد و استعمارگر و فروافتادن پرده از چهره تزویرشان انجامید، در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تجاوز رژیم عراق به مرزهای جمهوری اسلامی شروع شد و در روز ۲۹ مردادماه سال ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران به پایان رسید.

این که چرا جنگ ایران و عراق شروع شد، پاسخ روشنی دارد که در بیانات معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) که در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۵ در جمع فارغ‌التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ایراد فرمودند به خوبی قابل درک است: «... من هیچ خوفی از جنگ ندارم و شما هم ندارید و ملت ما هم ندارد، لکن... باید تذکر بدهم [این است] که نقشه‌های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام، مقصد اصلی این است که اینها چون از اسلام سیلی خورده‌اند و با قدرت الله‌اکبر آنها را از ایران بیرون کرده‌اند و دست چپالوگرها را کوتاه کرده‌اند. لهذا، دشمن اصلی، اسلام است... منتهی با یک نقشه حساب شده دارند پیشروی می‌کنند.»^۱

به‌رغم این سخنان روشنگر و باور عمیق ملت به این سخنان امام و فداکاری همه‌جانبه در طول دوران دفاع مقدس، بودند. جریانی تلاش می‌کرد تا در پایان جنگ، تردید در خصوص دستاوردهای دفاع هشت ساله ملت ایران کند که عمده‌ترین آن‌ها در ویژه‌نامه‌ای^۱ به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب اسلامی منتشر شد، انعکاس یافت.

امام راجل همچون دیده‌بانی هوشیار، با قاطعیت طی پیامی در ۳ اسفندماه ۱۳۶۷ به آن تردیدها چنین پاسخ گفتند:

«... ما انقلاب را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواوران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت و ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربرابر اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها همت استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت...»^۲

۱. در این ویژه‌نامه که توسط ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی منتشر شد، با جمعی از شخصیت‌های برجسته کشور گفت‌وگو شده بود، پس از آن روزنامه اطلاعات با انتشار بخشی از این گفت‌وگوها منتشر کردند. دست‌اندرکاران پشت پرده این حرکت عناصری نظیر محمدجواد مظفر، حاتم قادری، محمد ترکمان و... بودند.

۲. صحیفه امام. جلد ۲۱. ص ۲۸۳.

دلیل تجاوز عراق به خاک ایران چنان روشن بود که در طول سالیان بسیار هرگز چرایی جنگ توسط تحلیل گران غربی مورد پرسش قرار نگرفت؛ به خوبی آشکار بود که به دنبال از دست رفتن محمدرضا پهلوی یکی از متحدان اصلی آمریکا در خاورمیانه و وقوع انقلاب اسلامی، دلهره صدور انقلاب اسلامی، چنان ابرقدرت‌های شرق و غرب را فرا گرفته بود که دست به تحریک و سپس پشتیبانی عراق برای شروع جنگ زدند و برای سالیان طولانی و با دادن انواع جنگ‌افزارهای پیشرفته این حمایت‌ها را ادامه دادند.

اما پایان جنگ، برخلاف شروع آن، نقد و نظرهای متفاوتی را به همراه داشت. درست در شرایطی که انتظار نمی‌رفت، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت و در این زمان بود که برخی از مغرضان با اصرار بر این جمله امام که از پذیرش قطعنامه به «نوشیدن جام زهر» تعبیر کرده بودند تلاش کردند تا امام را فردی جنگ‌طلب معرفی کنند و چهره ایشان و انقلاب را مخدوش کنند. برخی دیگر نیز پذیرش قطعنامه را دلیل ضعف و ناامیدی ایران در مقابل پیروزی‌های به دست آمده عراق در آن زمان دانستند و عده‌ای نیز آن را یک ترفند سیاسی موقت دیدند.

اما واقعیت چه بود؟

اگر بپذیریم که هر جنگی یک آغاز و سرانجام یک پایان دارد، تنها پرسشی که برایمان باقی می‌ماند، نحوه پایان جنگ است. جنگ ایران و عراق مانند همه جنگ‌ها با یک بن‌بست سیاسی در روابط ایران و آمریکا آغاز شده بود و مانند همه جنگ‌ها سرانجام یا باید با روش سیاسی یا با پیروزی نظامی به پایان می‌رسید. قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ یعنی زمانی که ایران به لحاظ نظامی بر عراق برتری داشت، به تصویب رسید اما بین تصویب تا پذیرش آن یک سال وقفه افتاد، یعنی زمانی که برتری ایران به لحاظ نظامی - به دلیل کارشکنی و عدم حمایت برخی از مسئولان از جبهه‌های نبرد - رو به افول گذاشته بود. آیا به واقع پذیرش قطعنامه از موضع ضعف بود یا دیدگاه و استراتژی امام خمینی (ره) که هشت سال بی‌وقفه رزمندگان را با خطابه‌های عاشورایی، به دفاع و جهاد ترغیب می‌کردند به ناگهان تغییر یافته بود. چه اتفاقی افتاده بود که به فاصله سه ماه پس از خطابه:

«امروز عاشورا است، حسینان آماده باشید، نهراسید، روز مقاومت است، درنگ امروز فردای اسارت‌باری را به دنبال دارد، به جبهه‌ها هجوم ببرید تا ضربات شما توان و امان دشمن را بگیرد...»

به ناگهان امام «جام زهر» را می‌نوشند؟

بهبهت و شوکه‌ناشی از پذیرش قطعنامه که تا زمانی طولانی رزمندگان اسلام را در جبهه‌ها فرا گرفته بود، به حق بود؛ چرا که پاسخ عمده به این مسئله این‌گونه داده شد که دیگر توانی برای ادامه جنگ وجود ندارد!

آیا به واقع آن همه عزم و توانی که رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس، با وجود تحريم‌ها و با کمترین امکانات، از خود نشان داده بودند، به یکباره فروکش کرده و مدیران سیاسی، اقتصادی و نظامی را به این نتیجه رسانده بود که همانند جنگ تحمیلی، صلح نحمیلی را باید پذیرفت؟ یا این که دست‌هایی دیگر در کار بود تا...

کتاب حاضر تلاش دارد تا پاسخ این سؤالات را از رهگذر رجوع به مستندات و واقعیت‌های آشکار و پنهان به دست آورد و با گردآوری اظهارنظرها و عملکرد افرادی که در این دوران از حیات سیاسی و اجتماعی برخوردار بوده‌اند، خواننده را به کشف واقعیت‌ها برساند، اگرچه ممکن است، همانند همه مسائلی که شامل مرور زمان می‌شود، این اظهارات دارای نقاط تاریکی هم باشند اما به‌طور مسلم روشنی این مستندات به قدری هست که گوشه‌های تاریک این تاریخ را روشن نماید.

در پایان لازم به ذکر است که نوشته‌های این کتاب ابتدا به صورت پاورقی در روزنامه کیهان به چاپ رسید که با استقبال کم‌نظیری از سوی خوانندگان مواجه شد و همین امر نویسنده را بر آن داشت تا به پژوهش‌هایش ادامه دهد و مطالبی جدید را به نوشتار فوق اضافه کند که در پاورقی درج نشده بود.

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

۲۰ اسفند ۱۳۹۱

پیشگفتار نویسنده

هنگامی که صدام حسن در سال ۱۳۵۹ با تشویق و تحریک آمریکا، تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد، تصور می‌کرد که در ظرف یک هفته به عمر نظام جمهوری اسلامی خاتمه داده، این کشور را متصرف خواهد شد. صدام آن گاه که اولین گلوله توپ را به طرف ایران شلیک کرد، در پاسخ خبرنگارانی که از او دلیل حمله به جمهوری اسلامی را سؤال کرده بودند، گفته بود که پاسخ شما را هفته آینده در تهران خواهم داد! این در شرایطی بود که عراق در جبهه‌ای به طول ۱۳۰۰ کیلومتر که شامل پنج استان خوزستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی می‌شد، حملات خود را شروع کرده بود. گرچه نظامیان متجاوز در مدت کوتاهی در حدود بیست هزار کیلومتر مربع از خاک این سرزمین را اشغال کردند؛ اما از آنجا که صدام و اربابان او در محاسبات خود، جایی برای ایمان و اعتقادات مردم این سرزمین و رهبری الهی امام خمینی (ره) باز نکرده بودند؛ ناباورانه با مقاومت سرسختانه مردان و زنان و پیر و جوان این کشور روبرو شدند و علی‌رغم هشت سال شرارت و جنایت و بهره‌مندی از انواع و اقسام حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مالی، نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و پیمان ناتو و پیمان ورشو و همه مرتجعین منطقه، توانستند به اهداف شیطانی خود نائل گردند.

در سال اول جنگ که بنی‌صدر در مقام ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا قرار داشت، اجازه نمی‌داد تا ارتش، سلاح و مهمات در اختیار سپاه و بسیج قرار دهد و تلاش بسیاری می‌کرد تا آنها را از صحنه مقابله با نظامیان بعثی دور سازد. در نتیجه،

چند عملیاتی که برخی فرماندهان نظامی وابسته به او طراحی کردند، همگی با شکست مواجه شد و خسارات زیادی نیز به نیروهای جمهوری اسلامی وارد شد. اما پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری در خرداد سال ۱۳۶۰، شوه مقابله با دشمن تغییر کرد و با هماهنگی ارتش و سپاه، یک سلسله عملیات بی‌دری طراحی شد که از خرداد ۶۰ تا خرداد ۶۱، اکثر مناطق اشغالی از دشمن بازپس گرفته شد و نظامیان بعثی مجبور شدند به پشت مرزهای خود عقب نشینی کنند. از این مرحله به بعد، عملیات‌های هجومی به داخل خاک دشمن با هدف تنبیه متجاوز و شکست صدام و حزب بعث عراق آغاز شد.

گرچه امام خمینی (ره) از همان آغاز جنگ، به‌طور مکرر تأکید می‌کردند که جنگ باید در رأس امور قرار گیرد و مسئله اصلی کشور باید جنگ باشد، ولی برخی از مسئولان و دست‌اندرکاران، توجه لازم را به این امر نشان نمی‌دادند و به‌گونه‌ای عمل می‌کردند که گویا جنگ یکی از مسائل فرعی کشور می‌باشد. در نتیجه، تاوان بی‌توجهی‌ها و بی‌مسئولیتی‌های این افراد را می‌بایست رزمندگان عرصه‌های نبرد بردازند. در کشور عراق، حکومت بعثی همه امکانات کشور را در خدمت جنگ قرار داده بود و از همه‌گونه کمک‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی حامیانش نیز استفاده می‌کرد اما برعکس، برخی مسئولان در ایران معتقد بودند که نباید در کشور حالت جنگی اعلام شود زیرا این مسئله باعث به زحمت افتادن مردم می‌شود! مردم می‌بایست چنان به زندگی عادی خود ادامه دهند که گویا هیچ اتفاقی بیفتاده‌اند علی‌رغم این جدی نگرفتن مسئله جنگ توسط برخی مسئولان، رزمندگان دلاور ایران اسلامی با پیروی از رهنمودهای امام خمینی و با ایثار و از خود گذشتگی، چنان عرصه را بر متجاوزین تنگ کردند که رژیم بعثی عراق در آستانه سقوط قرار گرفته بود. شورای امنیت سازمان ملل که از ابتدای حمله عراق به ایران، حاضر نبود عراق را به‌عنوان متجاوز و آغازگر جنگ معرفی کند، با صدور قطعه‌نامه‌های مختلفی طی سالیان جنگ، سعی داشت تا جمهوری اسلامی ایران را وادار به پذیرش آتش‌بس - بدون مشخص

شدن آغازگر جنگ - کند. در چنان شرایطی، حالت نه جنگ و نه صلح میان دو کشور برقرار می‌شد و صدام هر زمان که اراده می‌کرد، می‌توانست دوباره حمله را از سر بگیرد. اما وقتی حکومت بعثی در سال ۶۶ در آستانه سقوط قرار گرفت، قطعنامه ۵۹۸ صادر شد که عراق آن را بلافاصله پذیرفت ولی ایران از پذیرش آن خودداری کرد. با این وصف در سال پایانی جنگ، صحنه به تدریج تغییر یافت و اوضاع چنان شد که بالاخره امام خمینی (ره) مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تن دادن به آتش‌بس تحمیلی گردید. این همان ماجرای بود که امام خمینی از آن به سرکشیدن جام زهر تعبیر کرد.

اما چرا وضع به آجا رسید؟ چه افراد و جریان‌هایی در این ماجرا دخیل بوده، امام خمینی (ره) را مجبور به سرکشیدن جام زهر کردند؟ در این کتاب تلاش داریم تا پاسخ این سؤالات را بیابیم.

بخش عمده این کتاب که تحقیق پیرامون مطالب آن از سال ۱۳۸۸ شروع شده بود، ابتدا در هفته دفاع مقدس در سال ۱۳۹۱ به صورت پاورقی در روزنامه کیهان انتشار یافت و پس از آن نیز با اضافه شدن مطالب تکمیلی، در قالب یک کتاب به صورت کنونی تدوین گردید. البته در مورد هشت سال دفاع مقدس و مسائل منجر به پایان جنگ، ناگفته‌های زیادی وجود دارد که امیدواریم بعد از انتشار این کتاب، کسانی که در آن سال‌ها مسئولیت‌های مختلفی را برعهده داشته و تاکنون فرصت و یا موقعیت مناسب جهت بیان مطالب خود را نداشته‌اند، از این فرصت استفاده کرده و با ارائه مطالب خود، ما را در پربارتر کردن این کتاب یاری کنند.

در خاتمه لازم می‌دانم از کمک‌های فکری و راهنمایی‌های برادر بزرگوار مرتضی صفارهرندی و سایر عزیزانی که در تهیه مطالب این کتاب به اینجانب کمک کرده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.